

چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی در ایران معاصر

مهدي نادري*

اسماعيل عارفي گوروان**

چکیده

گفتمان اسلام سیاسی، قرائتی از اسلام است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در رقابت با گفتمان‌های رقیب، خاصیت هژمونیک یافته و بر جامعیت و نقش‌آفرینی حداکثری اسلام در اداره زندگی مسلمانان تأکید دارد. این گفتمان مرزهای هویتی خود را با سایر خرده‌گفتمان‌های رقیب با منبع، مرجع و داور قرار دادن «هویت اسلامی» تعریف و تحدید می‌کند. در این راستا، این گفتمان هویتی در کنار اصل قرار دادن هویت «اسلامی»؛ هویت «ملّی» و «قومی» و «جهانی» ایرانیان را زیر چتر «اسلامیت» بازخوانی، بازسازی و بازآفرینی می‌کند. این پژوهش با کاربرست نظریه گفتمان و روش تحلیلی اسنادی درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است: «آسیب‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی در ایران معاصر چیست؟» مدیریت و سیاست‌گذاری هویتی برای خنثی نمودن چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی نیازمند شناخت دقیق و مدبرانه آسیب‌های هویتی این گفتمان در سطوح «ملّی»، «منطقه‌ای» و «جهانی» است که اینجا با و سلباً در نوشتار مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

هویت، گفتمان، اسلام سیاسی، ایران معاصر.

mehdinaderi35gmail.com

arefiesmail69@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۴

*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد.

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۱

طرح مسئله

اسلام سیاسی گفتمانی است که حول دال مرکزی اسلام نظم یافته است. این گفتمان، قائل به قرائتی جامع و حداکثری از اسلام بوده و بازگشت به اسلام را به‌عنوان تنها راه حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌کند. از این‌رو هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی مطابق با اصول بنیادین اسلامی و مهم‌ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن، کسب قدرت سیاسی جهت دستیابی به اهداف مذکور است. در دو قرن گذشته، مواجهه مستقیم مسلمانان با فرهنگ و تمدن غرب موجب فعال‌سازی این قرائت در جغرافیای جهان اسلام گردیده است.

اگرچه بارقه‌های اسلام سیاسی در ایران، مربوط به دوران نهضت مشروطیت است. با این حال، رشد اسلام سیاسی با روی کار آمدن پهلوی دوم شتاب بیشتری گرفت و نهایتاً در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی در سپهر نظر و عرصه عمل، بسط و تکامل یافت. در میان قرائت‌های رایج از اسلام سیاسی بیش از همه گفتمان فقاهتی اسلام سیاسی در وقوع انقلاب اسلامی ایفای نقش نمود. امام خمینی در سپهر نظر، به‌عنوان مفسر اصلی گفتمان فقاهتی اسلام سیاسی، و در عرصه عمل، رهبری قیام ملت ایران علیه رژیم پهلوی را در دهه ۵۰ برعهده گرفت.

از منظر هویتی، گفتمان فقاهتی اسلام سیاسی، مرزهای هویتی خود را با چهار خرده هویت ایرانی، هویت اسلامی، هویت قومی و هویت غربی - برخاسته از ارزش‌های لیبرال دموکراسی - تعریف کرده است. از یک سو این گفتمان، هویت اسلامی را هویت کلان و اصلی قرار داده و عناصر سایر خرده هویت‌ها را که مخالفتی با هویت اسلامی نداشته به رسمیت شناخته و بعضاً در پیشبرد اهداف کلان گفتمان اسلامی از آنها بهره جسته است؛ و از سوی دیگر، با عناصر هویتی برخاسته از باستان‌گرایی ایرانی، قومیت‌گرایی و غرب‌گرایی که ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را کم‌رنگ، بی‌تأثیر و تخطئه می‌کند در تعارض و تقابل برآمده است. نظر به اینکه هویت، بنیان حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک ملت را رقم می‌زند و نظام سیاسی برای ثبات، حفظ و توسعه کیان خود، ناگزیر است از مرزهای هویتی خود صیانت نماید. نگارندگان در این پژوهش با روش تحلیلی - اسنادی و کاربست نظریه گفتمان، درصدد پاسخ به این سؤال اصلی هستند: «چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی در ایران معاصر چیست؟»

چارچوب مفهومی و نظری

الف) مفاهیم اصلی

نظر به اینکه در گفتمان اسلام سیاسی، عناصر ملی هویت در کنار عناصر اسلامی هویت مورد تأکید قرار گرفته و نادیده انگاشتن هر یک از این عناصر، تهدیدی بالقوه برای شاکله هویتی این گفتمان به‌شمار می‌آید، لازم است هر یک از این عناصر تعریف شوند.

۱. هویت ملی

یک. ماهیت هویت ملی

هویت ملی یعنی احساس تعلق و تعهد اعضای جامعه به نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و میراث تاریخی که موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع می‌شود؛ با این توصیف هویت ملی از جهتی با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیونددهنده، «ما» را پیرامون محوری واحد، متحد و متعهد می‌سازد و از سوی دیگر «ما» را از «دیگران» متفاوت می‌گرداند. هویت ملی یکی از حساس‌ترین و پرمخاطره‌ترین نیروهای ملی نزد هر ملتی است که اگر کنترل گردد نتایج مطلوب به بار می‌آورد ولی اگر کنترل نگردد موجب به چالش کشیده شدن تعصبات قومی و ملی می‌گردد و نیرویی منفی خواهد داشت. (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۵) متفکران علوم انسانی معمولاً بر عنصر یا عناصری خاص از عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی تمرکز دارند. به‌عنوان مثال، محققان حوزه جغرافیا «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک»؛ صاحب‌نظران علوم اجتماعی «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و عالمان علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک» و یا «ملیت» تأکید می‌کنند. (مجته‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵)

دو. سطوح هویت ملی

هویت را در سطوح فردی، اجتماعی و ملی می‌توان مورد بررسی قرارداد. در سطح فردی هویت، نازل‌ترین سطح شکل‌گیری هویت است. در این سطح افراد با طی مراحل خود را متمایز از محیط و دیگران تعریف می‌کنند. در هویت فردی، «من» در مقابل دیگران قرار می‌گیرد و تفاوت‌هایی که فرد با دیگران دارد آشکار می‌شود. در سطح اجتماعی هویت، هویت جمعی و اجتماعی افراد شکل گرفته و به رابطه فرد با اجتماع پرداخته می‌شود و عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح ملی هویت که کلان‌ترین سطح هویتی است، موضوع هویت در سطح یک ملت مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سطح، ملیت یک فرد تعریف، و تفاوت و تمایز وابستگی‌های ملی او با افرادی که ملیت‌های دیگری دارند مشخص می‌شود. (صالحی عمران، ۱۳۸۷: ۶۷)

سه. عناصر هویت ملی

هویت ملی قوام یافته از عناصر مختلفی است: الف) عنصر زبان و ادبیات: می‌توان به ادبیات مشترک چند هزارساله یک کشور به‌عنوان یکی از عوامل مهم اشاره کرد. مثلاً شاهنامه فردوسی و علاقه ایرانیان به آن، یکی از این نمونه‌های روشن است. ب) عنصر دین: دین چه در دوران قبل از اسلام و چه بعد از آن، عنصری هویت‌بخش بوده و هم اکنون نیز با وجود اختلافات مذهبی، تأکید بر اشتراکات دین اسلام، مهم‌ترین عامل وحدت‌بخش است. ج) عنصر جغرافیایی و سرزمین مشترک: وابستگی مکانی هر شخص، جزئی از هویت اوست. د) فرهنگ و تاریخ مشترک: این عنصر، در پیدایش آداب و سنن فرهنگی خاص مؤثر بوده‌اند که خود

سبب به وجود آمدن روحيات مشترکی در بين ایرانیان شده است. عناصر سازنده هویت ملی و ابعاد متفاوت هر کدام، می‌تواند کارکردهای مختلفی برای هویت ملی در پی داشته باشد. (درویشی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

۲. هویت اسلامی

یک. ماهیت هویت اسلامی

اسلام دینی است که براساس فطرت پاک انسانی بنا شده است. هویت اسلامی به معنای آگاهی همراه با احساس نسبت به «خودِ جمعی» در میان پیروان اسلام است. هویت اسلامی «خویشن بینی جمعی اسلامی» است که احساسی همه جانبه همراه با عاطفه، علاقه، انگیزه، افتخاریابی و مصلحت‌خواهی را دربر می‌گیرد. ماهیت هویت اسلامی، دلالت بر هویتی دارد که در سایه آن مسلمانان در سراسر جهان موجودیت می‌یابند. (بابی سعید، ۱۳۸۳: ۸۲ - ۷۴)

دو. سطوح هویت اسلامی

به نظر می‌رسد، هویت مسلمانان در دو سطح کلان و خرد قابل بررسی باشد. الف) هویت کلان مسلمانان: تعلق هویتی مسلمانان به مشترکات مورد اعتقاد پیروان دین اسلام است. به‌عنوان مثال هویت دینی مسلمانان را خدای واحد، قبله واحد و پیامبر واحد تشکیل می‌دهد. این عناصر هویتی مشترک تمیزدهنده مسلمانان از سایر پیروان مکاتب فکری مختلف است. (تبریزی، ۱۳۸۵: ۱) ب) سطح خرد هویت: با توجه به قرائت‌های مختلفی که از اسلام وجود دارد، شاهد شکل‌گیری هویت‌های خرد درون هویت کلان اسلامی هستیم. هویت خرد شیعی یکی از این خرده هویت‌هاست. شیعیان با اعتقاد به امامت حضرت علی علیه السلام به‌عنوان خلیفه اول و حضرت مهدی علیه السلام به‌عنوان منجی آخر تشخص می‌یابند و در دو منبع کتاب و سنت، با سنی‌ها مشترک‌اند ولی در قیاس (سنی) و عقل (شیعی) در استنباط احکام باهم اختلاف دارند. (عنایت، ۱۳۹۲: ۵۰ - ۴۵)

سه. عناصر هویت اسلامی

نظر به اینکه دین متشکل از عقاید حقه، اخلاق حسنه و کردار نیک است می‌توان عناصر هویتی اسلام را عقاید اسلامی، اخلاق اسلامی و رفتار اسلامی دانست. الف) عقاید اسلامی: اعتقاد به توحید، نبوت و معاد اصول اعتقادی تفکر اسلام به‌شمار می‌آید. ب) اخلاق اسلامی: بایدها و نبایدها اخلاقی که مورد تأکید و سفارش اسلام بوده و مسلمانان موظف‌اند آنها را بر اخلاق خود حاکم نمایند. ج) رفتار اسلامی: مجموعه احکام اسلامی است که فرد مسلمان می‌کوشد به‌عنوان مکلف، به آنها التزام داشته باشد.

شاکله هویت اسلامی - ایرانی در گفتمان اسلام سیاسی		
مقوله هویت	هویت ملی	هویت اسلامی
ماهیت	تعلق مشترک به مای ایرانی	خویشن‌بینی جمعی اسلامی

سطح	فردی جمعی ملی	خرد کلان
عناصر	زبان دین تاریخ فرهنگ جغرافیا	عقاید اسلامی اخلاق اسلامی رفتار اسلامی

ب) مبانی نظری

در معنای اصطلاحی، نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد. پرکاربردترین رویکرد گفتمانی در علوم سیاسی، نظریه گفتمان لاکلا و موفه است. این دو متفکر، متأثر از اندیشه‌های گرامشی، ساختارگرایی آلتوسر و پسا ساختارگرایی دریدا و فوکو می‌باشند. (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۸۲ - ۱۵۶) به اعتقاد این متفکران، بیان یک نظریه گفتمانی، نیازمند بیان مفاهیم کلیدی و سازنده آن است. (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳) برخی از مفاهیم مهم و پایه‌ای نظریه گفتمان به قرار زیر است:

دال مرکزی: دال مرکزی مفاهیمی را شامل می‌شود که نقش محوری و مرکزی را داشته است و نبود آن موجب فروپاشی و به هم خوردن سیستم یک گفتمان می‌گردد. (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴)

غیریت: تمامی گفتمان‌ها در پی نشان دادن غیریت خود با سایر گفتمان‌ها هستند. این غیریت است که وجود مستقل یک گفتمان را پدیدار می‌کند. (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲) از میان نزاع‌های گفتمانی موجود در جامعه، تنها یک گفتمان خصلتی هژمونیک یافته و سایر گفتمان‌ها را در آن جامعه به حاشیه می‌راند. این کار از طریق غیریت و با شیوه «برجسته‌سازی» نقاط قوت خود و «حاشیه‌رانی» نقاط قوت رقیب انجام می‌گیرد. (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

مفصل‌بندی: صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و مفاهیم است که پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و از این طریق، هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها برجسته می‌نماید. مفصل‌بندی، موجب تولید نظام معنایی می‌شود. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۶۲)

هژمونی: هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی مورد نظر است. اگر یک گفتمان، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، معنادهی کند، توانسته است که رضایت اکثریت را جلب کرده و خود را به‌عنوان گفتمان برتر تثبیت نماید. (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

قدرت: گفتمان‌ها به وسیله قدرت، غیر را طرد و خود را تثبیت می‌کنند. قابلیت گفتمان‌ها در تثبیت معنا و

هژمون شدن، وابسته است به میزان قدرتی که پشت آنها وجود دارد و از آنها حمایت می‌کند. (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

گفتمان فقه‌ای اسلام سیاسی

گفتمان اسلام سیاسی در ایران، سازه‌ای سیاسی است که در پی فرایندهای سیاسی و به کارگیری استراتژی‌های طرد و به حاشیه رانی رقیبان (نظیر گفتمان پهلویسم و اسلام لیبرالی) به گفتمان هژمونیک (اسلام سیاسی) تبدیل شده و سامان‌دهی هویت‌ها، نیروها و حقیقت‌ها را برعهده گرفته است. گفتمان اسلام سیاسی پیش از انقلاب از خرده گفتمان‌های متعددی برخوردار بود که هرکدام معنایی خاص به دال مرکزی اسلام می‌بخشیدند و تعبیری متمایز از اسلام داشتند. در میان خرده گفتمان‌های مذکور، گفتمان امام خمینی بر سایر گفتمان‌ها تفوق یافت و توانست گفتمان‌های هم عرض خود را جذب و گفتمان‌های متناظر با خود را به حوزه غیریت بفرستد. این گفتمان همواره نسبت به نفوذ اغیار و بازگشت خرده گفتمان‌های رقیب، آسیب‌پذیر بوده و هژمونی یا عینیت آن، در معرض تهدید قرار دارد. گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ای که شاید نمود اصلی گفتمان اسلام سیاسی در ایران است، حول اندیشه امام خمینی شکل گرفته است و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به‌عنوان مفسران اصلی شریعت تأکید می‌کند. امام خمینی در طی سال‌های مبارزه با پهلوی، در سایه تفسیر جدیدی که از اسلام سیاسی ارائه داد، توانست چتری را برپا کند که در زیر آن، مجموعه‌ای از مفاهیم برگرفته از سنت اسلامی و تجدد را که تا آن زمان شاید نسبتی باهم نداشتند، گردآورد. هدف اسلام سیاسی بازسازی جامعه ایرانی براساس احکام فقهی اسلامی است و هرگونه تقلید کورکورانه از غرب را نکوهش می‌کند. (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۳) نشانه‌هایی که از منظومه مذهبی شیعی گرفته شده‌اند، همچون علی علیه السلام، حسین علیه السلام، محرم، صفر و... نشان می‌دهد که چگونه نظم گفتاری امام، مذهب را به سیاست پیوند می‌زند و نشانه‌های مذهبی را معنایی سیاسی می‌بخشد. دال مرکزی «اسلام» در اندیشه امام خمینی، مرزبندی ما و دیگران را در نظم گفتاری ایشان برجسته می‌کند. در اندیشه سیاسی امام، در مرکزیت دال اصلی اسلام، آموزه ولایت مطلقه فقیه قرار دارد که سایر نشانه‌های این گفتمان نظیر حاکمیت الله، قانون اسلام، عدالت، آزادی، مبارزه با استکبار، حمایت از مستضعفین و مقاومت اسلامی پیرامون آن مفصل‌بندی می‌شود. (میراحمدی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۷۶ - ۷۵) امام خمینی با مطرح کردن دو قرائت از اسلام یعنی «اسلام ناب محمدی» و «اسلام آمریکایی» عملاً اقدام به غیریت‌سازی کرد. در دوران پس از انقلاب، خرده گفتمان‌های برخاسته از گفتمان لیبرال دموکراسی مهم‌ترین رقیب جدی گفتمان فقه‌ای اسلام سیاسی به‌شمار می‌آیند. خرده گفتمان‌های رقیب گفتمان اسلام سیاسی در پی ترویج و گسترش ارزش‌های کشورهای غربی در کشورهای اسلامی هستند که نتیجه آن برتری و تسلط فرهنگ غرب در برابر گفتمان اسلامی است. (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۳۹)

گفتمان فقه‌ای اسلام سیاسی در ایران، از منظر هویتی از دو جریان فکری ایرانییت (ایرانی بودن) و اسلامیت (اسلامی بودن) تغذیه می‌کند. برآیند این دو جریان فکری سبب شده، هویت جمعی ایرانیان با عنوان هویت ایرانی - اسلامی شناسایی و معرفی شوند. ایرانییت به وجوهی از هویت جمعی ایرانیان اشاره دارد که در طول تاریخ چندین هزارساله ایران شکل گرفته و به‌عنوان بخشی از شخصیت هر ایرانی درآمده است. نمونه این وجه از هویت جمعی ایرانیان را می‌توان در فرهنگ، سنت‌ها، آداب و رسوم، اسطوره‌ها، شیوه زندگی و مواردی از این دست مشاهده کرد. اسلامیت نیز به وجوهی از هویت جمعی ایرانیان اشاره دارد که بعد از پذیرفتن اسلام از سوی ایرانیان و مطابق با مبانی و اصول اسلامی شکل گرفته و به‌عنوان بخشی از شخصیت ایرانیان در آمده است. نمونه این وجه از هویت ایرانیان را می‌توان در عمل کردن براساس اعتقادات، احکام، اخلاق اسلامی و برگزاری آیین‌های اسلامی از سوی مردم ایران مشاهده کرد. (مطالعات ملی، ۱۳۹۲: ۲۱ - ۲۰)

چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی

الف) چالش‌های هویتی ملی

منظور چالش‌های هویتی هستند که در داخل مرزهای سرزمینی ایران، می‌تواند تهدیدی هویتی برای گفتمان اسلام سیاسی باشد. ناسیونالیسم منفی، باستان‌گرایی و ناسیونالیسم قومی از مهم‌ترین چالش‌های هویتی ملی است.

۱. ناسیونالیسم منفی

در ناسیونالیسم منفی وابستگی و علاقه به خود و جماعت خودی همراه با گرایش‌های منفی و نفی دیگران، او را در مقابل خانواده جهانی‌اش قرار می‌دهد. از این‌رو، بزرگنمایی در ارزش‌ها و هنجارهای ملی منجر به نفی ارزش‌ها و هنجارهای معقول سایر ملت‌ها شده و حتی به‌خاطر تعصب، یک ملت می‌تواند علیه ملت‌های دیگر توطئه کند و بدخواه آنها گردد. این تفاخر، به جنگ‌های بین‌المللی و خونریزی‌ها و خراج‌های کلان و نابود کردن حقوق دیگران هم کشیده می‌شود. (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲) ناسیونالیسم، خود محصول دنیای مدرن غرب است و در قرن گذشته، یکی از پاسخ‌های مسلمانان به سرخوردگی هویتی در مواجهه با مدرنیته غرب بوده است. از این‌رو، مهم‌ترین چالش امت اسلامی، ظهور ملی‌گرایی - ناسیونالیسم عرب، ترک و ایرانی - در جهان اسلام بوده که سبب تجزیه ماهوی جهان اسلام و به چالش کشیده شدن هویت اسلامی گردیده است.

کارشناسان برای شناخت هویت ایرانی - نظر به وجود گفتمان‌های هویتی متعدد - با چالش‌های زیادی مواجه‌اند. برخی از نویسندگان، با رویکرد تاریخی می‌کوشند با تأکید بر میراث ایران‌شهری باستان، حضور و نفوذ اعراب مسلمان را مورد نقد قرار داده و اسلام را یک دین بیگانه برای ایرانیان، معرفی

نمایند. به باور آنها، همه ایرانیان مسلمان و همه مسلمانان، ایرانی نیستند؛ از این رو، دین اسلام جزء عناصر هویتی ایرانیان نمی‌باشد. نتیجه آنکه، اسلام به مثابه یک عنصر بیرونی و در عین حال تحمیلی به فرهنگ این سرزمین القا گردیده و آلوده کردن هویت و اصالت این کشور، ثمره آن می‌باشد. چنین تلقی از اسلام، سبب شده است که برخی از نویسندگان همچون صادق هدایت، با عناصر فرهنگ اسلامی مقابله نمایند. (زهیری، ۱۳۸۴: ۴۴) یکی از آثار ویرانگر ناسیونالیسم منفی، ایجاد تفرقه از ناحیه تقویت گرایش‌های طایفه‌ای، قومی و ملیتی است. با آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های استعمارگران برای تسلط بر ملل مسلمان، ایجاد تفرقه میان مسلمین و جلوگیری از اتحاد آنان بوده است. (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴)

۲. باستان‌گرایی

باستان‌گرایی به مثابه یک تهدید برای گفتمان هویتی اسلام فقهاتی، ریشه در تحولات تاریخ معاصر ایران دارد. این مؤلفه در پی احیای سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته بوده و در این راه تلاش دارد که هرچه بیشتر، ایران امروز را در قالب خود ولی بر پایه عقاید کهن باستانی پی‌ریزی نماید. عصر حکومت پهلوی اوج ناسیونالیسم باستانی بود. حکومت پهلوی می‌کوشید به جبر و اکراه به مقابله با اسلام و بازگشت به باستان بپردازد و با فرهنگ‌سازی و برگزاری برنامه‌هایی چون جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و تغییر دادن کلمات عربی به زبان فارسی، به این هدف دست یابد. (اکبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸)

یکی از مقولات در حال شکل‌گیری و گسترش در سطح جامعه ایران که نقد و بررسی آن نیازمند ظرافت تحلیل است، فعالیت‌های تبلیغاتی ایرانی‌گروی و ترویج ایران باستان با رویکرد تبلیغ زرتشت در سطح جامعه، به‌ویژه در قشر جوان کشور است. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تبلیغ مکتب ایرانی و اشاعه باستان‌گرایی در کشور، برخی جریان‌های زرتشتی از این فرصت طلایی استفاده نموده و در حرکتی همسو با نظریه‌پردازان غربی، تبلیغات هدفمندی را تعقیب می‌نمایند. نشانه‌های باستان‌گرایی را در صحبت گروه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، نامگذاری فرزندان ایرانی و برگزاری مجالس برای پاسداشت گذشته باستانی ایران می‌توان دید. این نشانه‌ها، همگی نوعی فاصله‌گیری از گفتمان اسلام سیاسی به‌شمار می‌آید. (قاسمی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۲)

ترویج باستان‌گرایی را در میان برخی از کارشناسان فرهنگی جمهوری اسلامی، با فراز و نشیب‌هایی می‌توان پیگیری کرد. در دولت اصلاحات، از سوی برخی دستگاه‌های فرهنگی کشور تصمیمی مبنی بر برگزاری نوروز در تخت جمشید اتخاذ شده بود. رهبر انقلاب در اول فروردین ۱۳۷۸ در واکنش به این مسئله، در حرم امام رضا (ع) در این رابطه چنین فرمودند: «شما ببینید در ایام تحویل، مردم چه مکان‌هایی اجتماع می‌کنند. دیشب در اطراف آستان قدس رضوی، با اینکه نیمه شب بود، جای سوزن

انداختن نبود. تا بست شیخ بهایی و تمام این اطراف، مردم برای توجّه، روی زمین نشسته بودند؛ یعنی عید نوروز، همراه با معنویت ... خوب؛ حالا یک نفر هم پیدا می‌شود که از سر اشتباه و ندانم کاری، به جای مرقد امام رضا (ع) و مرقد امام بزرگوار و مرقد حضرت معصومه (ع) و مراسم معنوی، تخت جمشید را زنده می‌کند. البته تخت جمشید، یک اثر معماری است؛ اما این غیر از آن است که ما دل‌ها و ذهن‌ها و جان‌های مردم را متوجّه به نقطه‌ای کنیم که در آن خبری از معنویت نیست، بلکه نشانه طاغوتی‌گری است. در همان ساختمان‌ها که امروز بعد از گذشت یکی دو هزار سال، ویران است، زمانی به مناسبت همین روز نوروز، خدا می‌داند که چقدر بی‌گناه، در مقابل تخت طاغوت‌های زمان به قتل می‌رسیدند و چقدر دل‌ها ناکام می‌شدند. این افتخاری ندارد». با این حال، جریان باستان‌گرایی تهدیدی است که همچنان می‌توان رد پای آن را در بسیاری از نمودهای فرهنگ‌های کشور مانند تبلیغات تجاری، نمادنگ‌های صداوسیما و حتی بلیت‌های اتوبوس شهری تهران مشاهده کرد. در این گونه رسانه‌ها، نه فقط تجلیل از یک دوران باستانی، بلکه تداوم همان تفکر ماسونی باستانی‌گرایی یا آرکائیسیم به مفهوم جدا ساختن تاریخ ایران از اسلام، می‌توان رصد کرد. (زیدآبادی، ۱۳۸۶: ۱۳ - ۱۱)

در قرن نوزدهم و بیستم، رشد وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، فضای مجازی و ...)، پژوهش‌های ایران‌شناسی ناظر به دوران پیش از اسلام و ترویج نوعی ایدئولوژی ملی مبتنی بر اصالت تمدن آریایی بر ترویج باستان‌گرایی در میان نخبگان ایرانی مؤثر بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲۹ - ۱۲۵)

۳. ناسیونالیسم قومی

با توجه به اینکه، جامعه ایرانی از قومیت‌های مختلف تشکیل شده و قومیت‌ها با هم‌زبانان خود در مرزهای خارجی کشور همسایگی دارند و تحرکات قومی کم یا بیش از اوایل انقلاب اسلامی بوده است، لذا گفتمان اسلام سیاسی از لحاظ هویتی باید برخوردی سنجیده و معقول با این خرده هویت‌های قومی داشته باشد تا زمینه هرگونه احساس تحقیر هویتی یا بهانه‌جویی برای سوءاستفاده از این خرده هویت‌ها در مسیر تعارض با هویت کلان اسلام سیاسی، به حداقل برسد. (ترابی، ۱۳۸۷: ۳۴)

قومیت‌گرایی در ایران از اواسط قرن بیستم، تحت تأثیر عواملی شکل گرفت و خود را در چهره ناسیونالیسم قومی مطرح نمود. در دهه‌های گذشته، در برخی از مناطق جنوب و غرب ایران تحرکات خودمختاری دیده شده است. تحرکات خودمختارانه در آذربایجان و کردستان در دهه ۳۰، و همچنین کمونیست‌ها و فدائیان خلق در سال ۵۷ در گنبد و ترکمن صحرا مصادیقی از این تهدیدات خنثی شده است. این درگیری‌ها و کشمکش‌ها در سال ۵۸ گریبان شهرهای تبریز، خوزستان، سقز و میوان را هم گرفت که در بررسی اجمالی می‌توان گفت که همه این عوامل با تحریک قومیت‌های همسایه در مرزهای قومیتی کشور اتفاق می‌افتاد. این درگیری‌ها و ایجاد ناامنی در کشور با جنگ تحمیلی به حداعلاّی خود رسید. پس از خاتمه جنگ نیز این آتش فروکش نکرده و در قالب ایجاد

بحران‌های قومیتی در نقاط مرزنشین کشور کم و بیش دیده می‌شود. (حمزه پور، ۱۳۸۵: ۱۲ - ۱۰)

در تحلیل نهایی از علل رشد هویت قومی و محلی، به چند عامل عمده باید توجه کرد: ۱. حرکت‌های تجزیه‌طلبانه قومیت‌های خارج از کشور در مرزهای قوم‌نشین کشور ۲. حمایت آمریکا و اسرائیل از تحرکات قومی در مناطق مرزنشین ۳. بحران‌های ایجادشده در عراق و سوریه و تحرکات گروهک‌های تروریستی و انعکاس آن در کشور ایران ۴. نارضایتی برخی از مرزنشینان از برخی دولت‌ها. (شکایت از معیشت، بیکاری و امکانات رفاهی) (مختارزاده، ۱۳۸۳: ۱۸)

ب) چالش‌های منطقه‌ای

این چالش‌ها دو ویژگی اساسی دارند که هویت گفتمان اسلام سیاسی را مورد هدف قرار داده‌اند: اول آنکه، هویت اسلامی همه مسلمانان را هدف قرار داده است (نظیر اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی)؛ دوم آنکه، سطحی از این چالش‌های منطقه‌ای - نظیر شیعه‌هراسی یا ایران‌هراسی - مختص جامعه ایرانی و شیعیان در منطقه بوده و می‌تواند عملاً تهدیدی برای هویت اسلامی مسلمانان در سطح کلان و شیعیان در سطح خرد، باشد.

۱. اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

اسلام‌هراسی از چالش‌های جدی هویتی برای گفتمان اسلام سیاسی است. در واقع، پروژه اسلام‌هراسی، دال مرکزی گفتمان اسلام‌هراسی را مورد حمله قرار داده و می‌کوشد با تخطئه آن، غیریت‌سازی نماید. برخورد اسلام و غرب، ریشه‌های تاریخی داشته و غرب همواره از رشد و گسترش اسلام در هراس بوده است. در یک نگاه تاریخی می‌توان گفت که اسلام و مسلمانان در برهه‌های مختلف تاریخی، کشورهای غربی و اروپایی را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته‌اند. برای نمونه می‌توان به جنگ‌های صلیبی و توسعه امپراتوری عثمانی در مرکزیت کشورهای غربی و اروپایی اشاره کرد. با شروع جنگ‌های صلیبی و مقاومت مسلمانان، مواجهه غرب و اسلام وارد فاز جدیدی شد. مسلمانان در قرن پانزده میلادی با تسلط بر بیزانس - پایتخت روم شرقی - و تحت کنترل درآوردن مناطق وسیعی از اروپا، اوج قدرت خود را نمایش دادند. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۱۱)

ریشه‌های اسلام‌هراسی را می‌توان در عوامل زیر جستجو کرد:

عامل تاریخی: از جهت تاریخی، گسترش اسلام در غرب منجر به نفوذ ۸۰۰ ساله مسلمانان بر بخشی از اروپا گردید و شهر قرطبه به مدت ۵۰۰ سال، مرکز حکومت مسلمانان بود. همچنین با شروع جنگ‌های صلیبی (در سال ۱۰۹۵ م) بیش از ۱۵۰ سال میان مسیحیان و مسلمانان نزاع و کشمکش وجود داشت. (لعل نهر، ۱۳۸۶: ۳۷۸ - ۳۷۷) از این‌رو، غربیان از نفوذ مجدد مسلمانان در هراسند.

افزایش جمعیت مسلمانان در غرب: جمعیت عامل مهم دیگری است که در رویکرد اسلام‌ستیزی جوامع

غربی مؤثر است. از یک سو، رشد مهاجرت مسلمانان به اروپا و آمریکا و از سوی دیگر گرایش غیرمسلمانان به اسلام و موج جدید اسلام‌گرایی در کشورهای غربی، موجب رشد جمعیت مسلمانان نسبت به سایر سکنه این جوامع شده است. در حال حاضر، در اکثر جوامع غربی، مسلمانان به بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی تبدیل شده و به تدریج به مناصب مهم دولتی و غیردولتی دست یافته‌اند. (منصوری، بی‌تا: ۳۹۲ - ۳۷۹)

اسلام‌ستیزی رسانه‌ها: مؤثرترین فعالیت غرب در امر به چالش کشیدن اسلام، از طریق رسانه‌ها پیگیری می‌شود. غرب با استفاده از قدرت ارتباطات و فناوری رسانه‌ای خود با ساخت فیلم‌ها و تیزرهای مختلف، به تبلیغ سوء در رابطه با اسلام پرداخته و مسلمانان را افرادی خشونت‌طلب، جنگجو و افرادی کلیشه‌ای تصویرسازی می‌کند. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۳)

جان گالوین فرمانده نظامی نیروی ناتو، به هنگام ترک بروکسل در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد که «ما جنگ سرد را از روسیه بردیم، حال می‌توانیم به نبرد واقعی خود که همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم.» متفکرانی چون فوکویاما و هانتینگتن با فروپاشی شوروی، ایدئولوژی لیبرال دموکراسی را بی‌بديل خواندند و تهدیدات احتمالی آن را متوجه اسلام و کنفوسیوس قرار دادند. حوادثی نظیر پیروزی نیروهای جهادی بر ارتش سرخ در افغانستان، مطرح شدن مسئله ممنوعیت حجاب در برخی از مدارس غرب همچون فرانسه، بمب‌گذاری در مترو پاریس و حادثه ۱۱ سپتامبر، زمینه‌ای را فراهم کرد که مسلمانان در معرض اتهامات، تهدیدات و توطئه‌های گستاخانه قرار گیرند. (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۰)

اقدام مرکل صدراعظم آلمان به اعطای جایزه آزادی بیان به کاریکاتورست موهن به پیامبر اسلام ﷺ، ساخت کاباره‌ای به شکل کعبه در اسپانیا، مخالفت با ساخت مسجد و افزایش فضای امنیتی علیه مسلمانان در کشورهای مدعی آزادی چون سوئیس، سوئد، نروژ و بلژیک، تولید برنامه‌های سینمایی، انیمیشن و رایانه‌ای توهین‌آمیز نسبت به مقدسات اسلامی (همانند ساخت فیلم ضد قرآنی فتنه توسط نمایندگان پارلمان هلند)، معادل‌سازی غرب از دوگانه اسلام - تروریسم و تأکید مقامات غرب بر معرفی مسلمانان به‌عنوان تروریست در قالب القاعده، طالبان و در سال‌های اخیر داعش از نمونه‌های اسلام‌هراسی و ستیز با اسلام است. از سال ۲۰۰۱ به بعد، طراحان پروژه اسلام‌هراسی، تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا چهره‌ای خشن از اسلام ارائه کنند و مسلمانان را تروریست و خشونت‌طلب نشان دهند. در پیمایشی در سال ۲۰۰۴ م که در انگلستان انجام گرفت، ۸۰ درصد از مسلمانان مورد مصاحبه ابراز داشتند که آنها به دلیل دین خود مورد تبعیض واقع شده‌اند، در حالی که در سال ۲۰۰۰ م این رقم ۴۵ درصد و در سال ۱۹۹۹ م حدود ۳۵ درصد بود. (مرشدی زاد و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۳۴ - ۱۳۳)

۲. شیعه‌هراسی

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نموده‌های قدرت‌یابی اسلام سیاسی با محوریت تفکر شیعی در منطقه

خاورمیانه تدریجاً تثبیت شده است. پروژه شیعه‌هراسی به رهبری برخی از دولت‌های عرب و با حمایت متحدان غربی در سال‌های اخیر روبه گسترش است. عواملی چند، در طرح پروژه شیعه‌هراسی در سال‌های اخیر، دخیل بوده‌اند:

عامل سیاسی: بعد سیاسی به تحولات کلان در سیاست بین‌المللی و فروپاشی شوروی مرتبط است. نظریه‌پردازان غربی و صهیونیست با مطرح کردن جنگ تمدن‌ها و تئوری هلال بحران در پی برنامه‌ریزی آینده نظام سلطه در خاورمیانه و موفق به طراحی برنامه شیعه‌هراسی شدند. این برنامه‌ریزی‌ها با واقعه ۱۱ سپتامبر و تخریب برج‌های دوقلوی آمریکا پیوند خورد و کشور ایران همانند برخی از کشورهای خاورمیانه تدریجاً محاصره نظامی شد. روند محاصره به مرزهای فرهنگی و اقتصادی نیز کشیده شد و کشور ایران به‌عنوان مرکزیت اسلام سیاسی در قلب پروژه شیعه‌هراسی مورد تهاجم قرار گرفت. آقای ادوارد سعید در این باره اظهار می‌دارد که: «پروژه شیعه‌هراسی بیشتر در رسانه‌ها و آن هم در قالب فیلم‌های سینمایی همچون: «جهاد در آمریکا» و «دروغ‌های راست»، دنبال می‌شود و چهره‌ای نامطلوب از اسلام و مسلمانان را به تصویر می‌کشد و به شیعه‌هراسی دامن می‌زند». (سعید، ۱۳۷۹: ۱۷)

عامل فرهنگی: برخی کارشناسان بر این باورند که با پیروزی انقلاب اسلامی، روند گسترش اسلام سیاسی روبه فزونی گرفته و تفکر شیعی با انسجام ساختاری به مدلی موفق برای مبارزات و نهضت‌های احیاگرانه بدل گشته است. (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۳ - ۱۱۲)؛ در این میان، ندای وحدت حضرت امام و سیاست ضد استبدادی و استکباری ایشان در مقابل جهان‌خواران عامل واکنش منفی سلطه‌طلبان در برابر بیداری تمدن اسلامی در این سال‌ها گردیده است. (برنا بلداجی، ۱۳۸۵: ۵)

عامل ژئوپلیتیکی: هر کشوری جهت ادامه حیات و توسعه نیاز به کسب فضای جغرافیایی جدید دارد. نظریه‌پردازان غربی با تفسیر غلط اندیشه سیاسی حضرت امام، اهداف انقلاب و آرمان‌های شیعی را مترادف با برنامه‌های امپریالیستی و توسعه‌طلبی معنی کرده‌اند. درحالی‌که هدف حضرت امام اشاعه و نشر فضایل اخلاقی و صدور فضیلت اسلامی در سراسر جهان است. با این تفاسیر عامل ژئوپلیتیکی، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در امر شیعه‌هراسی شده است. (مقیمی، ۱۳۹۰: ۲۱)

پراکندگی جمعیت‌های شیعه در مناطق حساس و ژئوپلیتیکی خاورمیانه، موقعیت‌های ویژه‌ای را برای آنها فراهم ساخته است. جمعیت فراوانی از شیعیان در نواحی حساس خلیج فارس، از جمله مناطق نفت‌خیز، همچنین در نزدیکی تنگه هرمز زندگی می‌کنند. گروه‌های دیگری نیز در مجاورت رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند. از آنجاکه دو مؤلفه استراتژیکی برای غرب وجود نفت و رژیم صهیونیستی در منطقه است، وجود شیعیان در این مناطق به مشکلی اساسی برای غرب و تبدیل به بحران شده است. به نظر یکی از استراتژیست‌های فرانسوی، شیعیان در مناطق حساس نفتی خاورمیانه همچون ایران: در وسط خلیج فارس و دریای خزر، عراق: با چاه‌های

نفتی غنی و برخی میدان‌های نفتی عربستان: که کارکنان آن شیعی هستند، قرار دارند. آمارها نشان می‌دهد که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از شیعیان در کشورهای ترکیه، هند و جمهوری آذربایجان قرار دارند که این مناطق نیز جزء مناطق حساس خاورمیانه است. (کشاوری، غفاری و فهیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۱)

با پیروزی حزب الله لبنان در برابر اسرائیل و سقوط صدام حسین و کسب قدرت سیاسی توسط شیعیان پس از حمله آمریکا به عراق، ایران به قدرت اصلی در معادلات سیاسی - امنیتی در منطقه خاورمیانه تبدیل گردید. این تغییرات و قدرت‌یابی ایران، بزرگان اهل سنت را با چالش روبه‌رو ساخت و آنها از قدرت‌یابی شیعیان در منطقه اظهار نگرانی کردند. این نگرانی با گفتگوی ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن با روزنامه آمریکایی واشنگتن پست و طرح مبحث پیدایش هلال شیعی دوچندان گردید و قدرت‌یابی شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده این نگرانی‌ها در سطح منطقه گردید. (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱) با این اوصاف هدف از طرح هلال شیعی تحریک کشورهای عرب علیه ایران بود. به نظر برخی از نخبگان سیاسی کشورهای عرب زبان، حرکت‌های سیاسی و امنیتی ایران در کشورهای همچون لبنان، عراق و سوریه، به پیوند و گسترش اتحاد شیعی دامن می‌زند و نمود آن به چالش کشیده شدن جهان اهل سنت و آمریکا به وسیله ایران است. (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۸۰) سران کشورهای عربی همچون پادشاه عربستان و رئیس کل مرکز مجلس نمایندگان اردن در مصاحبه‌های مختلف از تبدیل شدن ایران به قدرت برتر و هلال شیعی در منطقه ابراز نگرانی می‌کنند؛ و خواستار اتحاد جهان اهل سنت در برابر مواضع ایران می‌باشند. (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴)

دولت‌های عربی برای توجیه سیاست‌های مستبدانه داخلی خود، دخالت ایران در محیط داخلی خود را بهانه قرار داده‌اند. برای نمونه بحرین مدعی شده است که ایران در پی ایجاد کودتا به وسیله شیعیان در این کشور است. از این‌رو دولت بحرین، با ورود شیعیان به این کشور مقابله و از حضور جمعیت سنی در کشور استقبال می‌کند. از لحاظ سیاست خارجی هم دولت‌های عربی جهت جلوگیری از نفوذ ایران، خود را به دامن غرب انداخته‌اند. استقرار فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریای آمریکا در بحرین مصداقی از این اقدامات است. در این راستا، آمریکا از فرصت ایجادشده استفاده و به اختلاف شیعه و سنی دامن می‌زند و از این طریق می‌کوشد، نظام جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه نماید. (برنا بلداجی، ۱۳۸۵: ۱۶)

۳. ایران‌هراسی

از یک‌سو، جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن شعار استقلال‌طلبی و عدم وابستگی، توانست از بحران‌های امنیتی ناشی از جنگ تحمیلی با موفقیت عبور کند؛ و فرهنگ مقاومت اسلامی را بار دیگر در کالبد بی‌روح ملت‌های عرب، بازآفرینی نماید. ایران نقش محوری در جبهه مقاومت بازی می‌کند و نفوذ و تأثیرگذاری شگرفی در میان گروه‌های مقاومت اسلامی و مبارزه با تروریسم تکفیری دارد. نمودهای چنین مقاومتی را در پیروزی‌های حزب‌الله

لبنان در جنگ ۲۱ و ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی و همچنین مقاومت فلسطینی‌ها می‌توان دید. از سوی دیگر، پیشرفت‌های نظامی و امنیتی (صنعت موشکی) جمهوری اسلامی در کنار دستاوردهای علمی (نظیر انرژی هسته‌ای) آن هم در شرایط تحریم، حکایت از قدرت روزافزون ایران در منطقه دارد. واکنش ایالات متحده و برخی از هم‌پیمان‌های منطقه‌ای، در مقابل قدرت‌یابی ایران در چارچوب سیاست ایران‌هراسی قابل تحلیل است. بر این اساس، از نظر سیاست‌گذاران آمریکایی و به‌طور کلی غرب، ایران در حال ظهور و در تلاش برای تسلط بر خاورمیانه و کسب هژمونی در این منطقه است. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۹ - ۱۹۳)

آنچه منافع و اهداف گفتمان ایران‌هراسی را تقویت می‌کند، قابلیت ایران برای تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای است. قابلیت‌هایی که غرب و به‌ویژه ایالات متحده با توسل به ابزارهای مختلف تلاش دارد از بالفعل شدن آن ممانعت به عمل آورد. واکنش منفی دولت‌های عربی و متحدان غربی و بالاخص ایالات متحده در مقابل قدرت‌یابی ایران ناشی از هراس این کشور از تقلیل نفوذ و هژمونی در این منطقه است. افزون بر مقاله‌ها و مطالب روزنامه‌ها در سالیان اخیر مراکز فکری و صنایع ایده‌پردازی تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا موضوع هژمونی‌طلبی ایران را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. برای مثال می‌توان به مقاله تأثیرگذار ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا که حکایت از پایان عمر دخالت آمریکا در خاورمیانه و ظهور ایران دارد و یا پژوهش‌های مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی آمریکا با عنوان «احیای موازنه: استراتژی خاورمیانه برای رئیس‌جمهور آینده» در آستانه شکل‌گیری دولت اوباما، اشاره کرد که همگی حکایت از بازسازی گفتمان ایران‌هراسی و برجسته کردن ایران به‌عنوان یک تهدید بزرگ و هژمون‌طلب دارد. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۰ - ۱۹۶) با توجه به منطقی ذکر شده می‌توان گفت که ترویج ایران‌هراسی در منطقه و در پهنه بین‌المللی یک ضرورت استراتژیک برای سیاست خارجی ایالات متحده به‌شمار می‌آید، ضرورتی که ریشه در منطق واقع‌گرایانه حاکم بر سیاست خاورمیانه‌ای آن دارد.

عربستان با دیدن سقوط برخی کشورهای عربی و ترس از سقوط خود، مقامات سعودی را واداشته است که واکنشی غیرمناسب در قبال ایران انجام دهند. در این راستا برای اینکه عربستان بتواند دولت‌های عربی را با خود هم‌سو کند به ارائه آمار و اطلاعات اشتباه در رابطه با قدرت هسته‌ای ایران می‌پردازد یا اینکه ایران را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر می‌کند. برای نمونه می‌توان به پیروزی لبنان و جشن‌هایی که در این کشور، کویت و بحرین گرفته شد اشاره کرد؛ که عربستان را با این ترس مواجه کرد که ایران در پی تسلط بر کشورهای منطقه خلیج فارس است. همه این عوامل موجب گردید که این حرکت‌ها به نوبه خود در ترویج ایران‌هراسی مؤثر واقع شود. (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۲)

پس از اینکه قدرت شیعیان در عراق رو به گسترش نهاد؛ ایران نفوذ قابل توجهی در این کشور پیدا کرده و در همه کنفرانس‌ها و جلسات منطقه‌ای این کشور شرکت می‌کند. این حضور فعال ایران، سران کشورهای

عربی و بزرگان اهل سنت را با این نگرانی روبه‌رو ساخت که ایران در حال تبدیل شدن به قدرت شیعی در منطقه و مرکزیت اسلام است. دولتمردان عرب، برای جلوگیری از نفوذ ایران چاره را در تشدید ایران‌هراسی خلاصه کردند و ایران را متهم به صدور افکار انقلابی کردند. (دهقانی، ۱۳۸۶: ۶۹) این گفتمان‌ها در قالب ایران‌هراسی، موجب طراحی و ایجاد چهره‌ای نامطلوب از ایران شده است.

ج) چالش‌های جهانی

جهانی شدن و اشاعه ارزش‌های لیبرال دموکراسی

برخورد ایران با تمدن غرب موجب شد که چالش هویت ایرانی جلوه جدیدی به خود بگیرد. مشروطیت را باید نقطه عطف این چالش به حساب آورد. ایرانیان با پدیده غرب و تجدد روبه‌رو و چالش میان هویت دینی ایرانیان با مفاهیم غربی آشکار گردید. (داوری، ۱۳۸۳: ۱۳)

غرب به رهبری آمریکا در دنیای امروز پرچم‌دار صدور ارزش‌های لیبرال دموکراسی است. اهداف آنها، در دو حوزه بین‌المللی و ملی قابل بررسی است. در حوزه بین‌المللی آنها کنترل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را دنبال می‌کنند. در دل این، هدف نهایی، حذف نظام‌های چالش‌گرا، حفظ تمدن غرب و جهانی‌سازی آن و ممانعت از اتحاد و انسجام کشورهای مخالف و اسلامی قرار دارد. در سطح ملی، هدف اصلی آنها از بین بردن نظام‌هایی همچون نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا این نظام و فلسفه سیاسی آن، که مبتنی بر اسلام است به‌عنوان مهم‌ترین چالش علیه نظام لیبرال - دموکراسی و در نتیجه هژمونی فرهنگی آمریکا در جهان و به‌خصوص خاورمیانه محسوب می‌شود. (هرسیج و ستوده، ۱۳۹۱: ۸۴)

غرب به‌منزله خاستگاه رشد مدرنیته و ارزش‌های مادی‌گرایانه، سعی در گسترش و نهادینه کردن ارزش‌های خویش از جمله لیبرال دموکراسی و هویت اومانیستی غربی، در پروسه جهانی‌سازی دارد. جهان غرب در راستای اهداف خویش از تمامی امکاناتش از جمله تسلط بر رسانه‌های جمعی و استفاده از فضاها، مجازی از جمله اینترنت و ... در اشاعه ارزش‌های غربی استفاده می‌کند. انقلاب ارتباطات، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی است به وجود آورده است. از طریق ماهواره، اینترنت و ... جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می‌آید. امروزه در هر دقیقه بیش از ۹۶۰۰ کلمه خبری از خبرگزاری آسوشیتدپرس به سراسر جهان مخابره می‌شود. اگر این تعداد را در کنار آرشوو ۷۰۰ هزار قطعه‌ای عکس این خبرگزاری بگذاریم، متوجه قدرت این خبرگزاری در شکل‌دهی تصویر مخاطبانش از جهان می‌شویم. این موضوع حکایت از تأثیرپذیری گسترده جوامع اسلامی از ارزش‌های جوامع غربی دارد. در مقاله‌ای تحت عنوان «اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران»، با نگاهی فراتحلیلی با تأکید بر جوانان نشان داده شده که رشد و گسترش اینترنت در کنار تأثیرات مثبت آن در آینده، منجر به گسترش گروه‌های ضداجتماعی و شیطان‌پرست در جامعه ایران خواهد شد. (منتظر قائم و شاه قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۴) مقاله

«اینترنت و هویت دینی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران» هم مؤید تأثیرگذاری ویژه اینترنت و فضاهای مجازی بر جامعه آماری آنها است. (اشتیاقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۹ - ۱۳۱)

سبک زندگی غربی با شاخص‌هایی چون فردگرایی، لذت‌طلبی، دنیاگرایی، حق‌گرایی و رضایت‌مندی در قالب رفتارهایی چون استفاده از اتومبیل شخصی، آرایش در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی، گوش فرادادن به موسیقی پاپ، خوردن غذای فوری، گرایش افراطی و غیره‌فمند به فناوری‌های خانگی در میان جوامع مسلمان و از جمله ایران روبه‌گسترش است. با این حال، مقلدین شرقی نسبت به دو نکته غافل هستند: اول اینکه، این «سبک زندگی» پدیده‌ای نوظهور بوده و سلامت جمعی، اخلاقی و معنوی آن محل تردید است. دوم اینکه، ترویج سبک زندگی غربی در جوامع شرقی عامل تغییرات بنیادین فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که مسئله نافع بودن مطلق آن است. طولانی شدن دوره جوانی و نوجوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پرکردن فضای زندگی، فردگرایی، اهمیت‌یافتن سبک زندگی بیگانه برای جوانان، ازهم‌پاشیدگی شبکه‌های سنتی همسایگی و خانوادگی و عادی‌سازی گناه برای جوامع دینی از جمله این آسیب‌ها است. (مجلل و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶ - ۶۳)

نتیجه

برخلاف چالش‌های هویتی که در گذشته ریشه در تفکر ایران‌شهری، یونان کلاسیک (عصر ترجمه) و تهاجم مغول به سرزمین‌های اسلامی داشته، و هویت اسلامی ایرانیان را دچار تهدید کرده است؛ در عصر حاضر، غالب چالش‌های هویتی برای گفتمان اسلام سیاسی، مستقیم یا غیرمستقیم برخاسته از دنیای مدرن غرب است. از منظر هویتی، انقلاب اسلامی با شعار بازگشت به خویشتن و تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی تا حدودی تهدیدات بالقوه و حتی بالفعل هویتی را خنثی و کند نموده است. با این حال گفتمان اسلام سیاسی در ایران معاصر، با سطوحی از چالش‌های هویتی، مواجه است. شناخت عمیق این چالش‌ها و سیاست‌گذاری مدبرانه هویتی لازمه فائق آمدن بر این چالش‌ها است:

یک. چالش‌های هویتی در سطح ملی: مهم‌ترین چالش‌های گفتمان اسلام سیاسی در این سطح، ناسیونالیسم منفی، باستان‌گرایی و ناسیونالیسم قومی است. ناسیونالیسم منفی فارغ از هرگونه عقلانیتی به صورت افراطی بر ایرانی بودن تأکید دارد. باستان‌گرایی، یوتوپیای ایرانیان امروز را در طی طریق کردن در گذشته باستانی جستجو می‌کند؛ و ناسیونالیسم قومی بر تفاخر و تبختر نژادی و قومی برای برون‌رفت از وضع کنونی تأکید دارد.

دو. چالش‌های هویتی در سطح منطقه‌ای: ایران هراسی، شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی مهم‌ترین چالش‌های هویتی گفتمان سیاسی در سطح منطقه‌ای است. ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی،

واکنش ابرقدرت‌ها و برخی از متحدان عربی به نقش ایران در جبهه مقاومت اسلامی، احیای هویت مسلمانان، اقتدار امنیتی و پیشرفت‌های علمی جامعه ایران است. اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، از یک سو ریشه در هراس غربیان از تکرار تجربه تفوق مسلمانان بر مغرب زمین دارد و از سوی دیگر، رفتارهای تکفیری و تروریستی برخی از گروه‌های افراطی مسلمان بهانه لازم را برای چنین واکنش‌هایی فراهم ساخته است.

سه. چالش‌های هویتی در سطح جهانی: مهم‌ترین چالش‌های گفتمان اسلام سیاسی در سطح جهانی، جهانی‌شدن و نهادینه شدن ارزش‌های لیبرال دموکراسی است. سبک زندگی آمریکایی، لذت‌گرایی غربی و مصرف‌زدگی به ارزش‌هایی عام و فراگیر برای جهانیان بدل گشته‌اند. ارزش‌های آمریکایی در صورتی که در زندگی ایرانیان و غیر ایرانیان نهادینه شود تماماً در تعارض با جهان وطن‌آزایی هویتی اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی			
سطوح	مصادیق	عوامل	دلالت‌ها
	ناسیونالیسم منفی	پاسخ به سرخوردگی در مواجهه با مدرنیته غرب	ظهور پان ترکیسم و پان عربیسم و پان ایرانیسم
		محصول وارداتی دنیای غرب	تقویت گرایش‌های افراطی قومیتی بیگانه نشان دادن اسلام از ایران تاریخی
ملی	باستان‌گرایی	مذهبی	تبلیغات زرتشت‌گرو
		سیاسی	تبلیغ مکتب ایرانی
		فرهنگی	تبلیغات تجاری، نماهنگ‌ها
	ناسیونالیسم قومی	مطالعات مستشرقان	شکل‌گیری ایده اصالت تمدن آریائی
		سیاسی - اجتماعی	تحركات بیگانگان افزایش خیزش‌های قومی در جهان سیاست‌های تبعیض‌آمیز
منطقه‌ای	اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی	تاریخی	پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی شکل‌گیری حکومت مسلمانان در اندلس گسترش امپراتوری عثمانی در اروپا
		افزایش جمعیت مسلمانان در غرب	گسترش موج اسلام‌گرایی در غرب رشد مهاجرت مسلمانان گرایش غیرمسلمانان به اسلام

چالش‌های هویتی گفتمان اسلام سیاسی			
سطوح	مصادیق	عوامل	دلالت‌ها
	شیعه‌هراسی	فرهنگی	ساختن فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و کلیپ‌ها
		ژئوپلیتیکی	تصویرسازی دوگانه اسلام تروریسم
		سیاسی	گسترش موج بیداری اسلامی
ایران‌هراسی	پیشرفت‌های علمی و فناوری	سیاسی	ایده شکل‌گیری هلال شیعی
		امنیتی	طرح خاورمیانه بزرگ
		سیاسی	در صنعت نظامی، هسته‌ای، نانو و...
جهانی	جهانی شدن	فرهنگی و سیاسی	واکنش غرب و متحدان عربی به قدرت منطقه‌ای ایران
			نقش محوری ایران در جبهه مقاومت
			اشاعه و نهادینه کردن ارزش‌های لیبرال دموکراسی

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی؛ حبیبی، سید مهدی و رامین بخشی تلپایی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دانشگاه همدان، سال اول، شماره ۲، بهار.
۲. آشتیاقی، معصومه و دیگران، ۱۳۹۱، «اینترنت و هویت دینی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه مطالعات ملی، ویژه نامه شماره ۲.
۳. اشرف، احمد، ۱۳۸۳، بحران هویت ملی و قومی در ایران، (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۴. افتخاری، اصغر و اسدی، علیرضا و ابراهیم نزهت، ۱۳۹۳، «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۹۳.
۵. اکبری کریم آبادی، کریم، ۱۳۹۳، «نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵.
۶. اکبری کریم آبادی، نورالدین، ۱۳۹۰، «ایران و تحولات جدید منطقه، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی»، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۵.

۷. اکبری، محمدعلی، ۱۳۷۵، *رویکرد غرب‌گرایان به نوسازی ایران*، تهران، سروش، چ ۱.
۸. بابی، سعید، ۱۳۸۳، *اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیان و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. برنا بلداجی، سیروس، ۱۳۸۵، «هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *هفته‌نامه پگاه*، شماره ۱۹۲.
۱۰. بهروزلک، غلامرضا، ۱۳۸۶، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۲. تبریزی، خدیجه، ۱۳۸۵، «مؤلفه‌های هویت شیعه»، *فصلنامه تخصصی شیعه با تلخیص، روزنامه جوان*، دی ماه.
۱۳. ترابی، یوسف، ۱۳۸۷، «درآمدی بر ناسیونالیسم در ایران»، *فصلنامه خط اول*، سال دوم، شماره ۵، تابستان.
۱۴. حسنی، محمد، ۱۳۸۴، *موجودیت غرب و رسانه‌های تکنولوژیک*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۵. حمزه‌پور، علی، ۱۳۸۵، «بازشناسی بسترها و راهکارهای کنترل تحرکات و ناآرامی قومی در ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی روز*، سال چهارم، شماره ۲۰.
۱۶. خراسانی، رضا، ۱۳۸۹، «مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره معاصر (چیستی و چرایی آن)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۹.
۱۷. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۳، «هویت ایرانی در اندیشه رضا داوری اردکانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال پنجم، شماره ۴.
۱۸. درویشی، فرهاد و اعظم امامی، ۱۳۸۹، «قومیت‌ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران (چالش‌ها و راهکارها)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۰، بهار.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۶، «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهاردهم، شماره ۲.
۲۰. زهیری، علیرضا، ۱۳۸۴، «چیستی هویت ملی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۹، بهار.
۲۱. زیدآبادی، احمد، ۱۳۸۶، «دین‌گرایان، ملی‌گرایان»، *هفته‌نامه شهروند امروز*، تهران.
۲۲. سعید، ادوارد، ۱۳۷۹، *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس.

۲۳. شریعتی نیا، محسن، ۱۳۸۹، «ایران هراسی: دلایل و پیامدها»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال دوم، شماره ششم، تابستان.
۲۴. صالحی عمران، ابراهیم، ۱۳۸۷، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۹، شماره ۳.
۲۵. عضدانلو، حمید، ۱۳۷۵، «درآمدی بر گفتمان درباره گفتمان»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۰۴ - ۱۰۳.
۲۶. عنایت، حمید، ۱۳۹۲، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، سروش، چ ۶.
۲۷. فاضلی نیا، نفیسه، ۱۳۸۵، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۵.
۲۸. قاسمی، علی و حسین بابایی، ۱۳۹۱، *پشت پرده باستان‌گرایی چیست؟*، *روزنامه کیهان*، ۱۳۹۱/۴/۷.
۲۹. قربانی، قدرت‌الله، ۱۳۸۳، «هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال پنجم، شماره ۲.
۳۰. کاتوزیان، محمدعلی همایون، ۱۳۸۴، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
۳۱. کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز.
۳۲. کشاورز، عباس؛ غفاری، زاهد و زهرا فهیمی، ۱۳۹۲، «علل گسترش شیعه‌هراسی و راهکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان.
۳۳. لعل نهر، جواهر، ۱۳۸۶، *نگاهی به تاریخ جهان*، ج ۱، ترجمه محمود تفضلی، تهران، نشر امیرکبیر.
۳۴. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۷، «هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، خرداد و تیر، شماره ۱۳۰ - ۱۲۹.
۳۵. مجلل چوبقلو، محمدعلی؛ ابراهیمی، علی و صمد قربانی چوبقلو، ۱۳۹۲، «تهاجم فرهنگی و تأثیر آن بر الگوی مصرفی ایرانی»، *مطالعات مهندسی فرهنگی*، سال هشتم، شماره ۷۵.
۳۶. مختار زاده، بی‌نا، ۱۳۸۳، «سلسله مقالات قومیت‌شناسی امنیتی»، *ماهنامه سخن آشنا*، سال دوم، شماره ۱۰ - ۸.

۳۷. مرشدی زاد، علی و زاهد غفاری هاشجین، ۱۳۸۶، «اسلام‌هراسی در اروپا، ریشه‌ها و عوامل»، فصلنامه دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۳۸. مقیمی، غلامحسین، ۱۳۹۰، جزوه درسی اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، مجتمع عالی امام خمینی.
۳۹. منتظر قائم، مهدی و احسان شاقاسمی، ۱۳۸۷، «اینترنت و تغییرات اجتماعی در ایران، نگاهی فراتحلیلی با تأکید بر جوانان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم شماره ۴ - ۳، پاییز و زمستان ۸۷.
۴۰. منصور، جواد، بی‌تا، اقلیت‌های مسلمان و بحران هویت در غرب، مجموعه مقالات مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب المذاهب.
۴۱. مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۹۲، الگوی هویت اسلامی-ایرانی در چشم‌انداز ۱۴۱۵، تهران، تمدن ایرانی.
۴۲. میراحمدی، منصور و اکرم شیر، ۱۳۸۸، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم. شماره ۴۸، زمستان ۸۸.
۴۳. هرسیج، حسین و علی اصغر ستوده، ۱۳۹۱، «تأثیر جنبش‌های مردمی - اسلامی اخیر بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰، پاییز ۹۱.
۴۴. هنری، یدالله و علی آزر می، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، پاییز ۹۲.
۴۵. هوارث، دیوید، ۱۳۷۷، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، شماره ۲.

